

## تأثیر رشد عقلی در مسئولیت کیفری اطفال بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

حجت فلاح خواجهکینی

دکتر حقوق جزا و جرم‌شناسی، ایران

---

### چکیده

چکیده: رشد عقلی به معنی رسیدن به سنی است که شخص قوه تمییز و تشخیص کامل حسن و قبح اعمال و درک اوامر و نواهی شرعی و قانونی را داشته باشد. در واقع رشد جزایی عبارت است از اینکه فرد به مرحله ای از کمال جسمی و عقلی رسیده باشد که بتواند مسئولیت کیفری اعمال خود را تشخیص دهد و به عواقب عملی که انجام داده است، آگاهی داشته باشد، که اساساً قانونگذار کشورمان در قانون سابق (مصوب سال ۷۰)، در تحمیل مسئولیت کیفری به افراد بالغ فاقد رشد عقلانی، به مقوله‌ی تمییز و تشخیص کامل توجهی نداشته است. با عنایت به تصویب قانون مجازات جدید مصوب سال ۱۳۹۲ به مقوله رشد عقلی توجه شده است و می‌توان از نوآوری‌های این قانون برشمرد. نگارنده در این مقاله علاوه بر بررسی اهلیت جنایی در تحمیل مسئولیت کیفری، به جایگاه اساسی رشد عقلی در اهلیت جنایی نیز پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: رشد، رشد عقلی، بلوغ، مسئولیت کیفری، اهلیت جنایی

---

## مقدمه

از منظر حقوق کیفری، برای تحقق عنوان مجرمانه، صرف ارتکاب رفتار مادی از سوی فاعل آن کافی نیست، بلکه، برقراری رابطه روانی بین فاعل و عناصر رکن مادی جرم نیز ضروری است. بر این اساس، رفتار مادی ارتكابی از سوی یک کنشگر، به تنهایی مورد اهتمام قانونگذار کیفری نیست، زیرا، حیوان یا جماد نیز ممکن است منشأ ایراد ضرر مادی به افراد یا اماکن پیرامون شود.<sup>۱</sup>

بنابراین، ناگزیر جرم مبتنی بر دو رکن اساسی است، نخست رکن مادی که ناظر بر تبلور خارجی فعل و انفعال ذهنی مرتکب است، دوم رکن روانی یا معنوی که اساساً مبتنی بر اراده است. در نتیجه برای اینکه یک رفتار خاص، جرم باشد، مجرد وقوع آن در خارج و پیش بینی مجازات قانونی برای آن کفایت نمی‌کند، بلکه بعلاوه لازم است این رفتار از کسی صادر شود که حایز شرایط مسؤولیت کیفری (اهلیت جنایی) باشد. و این امر را رکن روانی جرم خوانند. بحث رکن روانی دو مسأله را در خود دارد، نخست اینکه چه کسی می‌تواند مجرم یا مجنی علیه باشد؛ و دیگر اینکه شرایط لازم برای حصول مسؤولیت کیفری مجرم کدام است.

امروزه در اکثر نظام‌های حقوقی، برای اینکه شخص از منظر حقوق کیفری، دارای مسؤولیت کیفری باشد، لازم است که اهلیت و ظرفیت تحمل نتایج رفتار خود داشته باشد، به عبارت دیگر، اجبار شخص به تحمل مجازات، مستلزم بهره مندی او از نیروی ادراک و اراده آزاد است.

به این جهت توجه مسؤولیت کیفری نسبت به اشخاص، زمانی توجیه قانونی و منطقی خواهد داشت که فرد واجد اهلیت جنایی (ادراک و اراده آزاد) باشد. در حقیقت حقوق جزا از سویی مبتنی بر این ایده است که افراد در قبال اعمالشان مسؤول هستند و باید آنها مورد بازخواست قرار گیرند، این توجیهی منطقی و اساسی برای تحمیل مجازات بر اشخاص محکوم شده به جرایم می‌باشد. از سوی دیگر، جامعه این امر را به رسمیت شناخته است که افراد خاصی (مثلاً نوجوانان) فاقد اهلیت جنایی برای پذیرش رفتارهای خلاف قانون خود می‌باشند.<sup>۱</sup>

رابطه تأسیس جزایی مسؤولیت کیفری با اهلیت جنایی و تبلور نقش اساسی رشد عقلی در این ارتباط، ما را بر آن می‌دارد که در این زمینه نسبت به طرح مباحثی اقدام نماییم.

## ۱- ارتباط مسؤولیت کیفری و اهلیت جنایی

پیش شرط اصلی و اساسی مسؤولیت کیفری، اهلیت جنایی است. مسؤولیت کیفری که به «التزام» شخص به تحمل نتایج مجرمانه تعریف می‌شود، زمانی صورت واقعی پیدا می‌کند که قبل‌تر اهلیت و توانایی تحمل نتایج مجرمانه از سوی فرد مجرم محرز شده باشد.

بدین ترتیب، ورود به حیطه مسؤولیت کیفری، بدون پرداختن به بحث اهلیت جنایی، امکان پذیر نخواهد بود. در این ارتباط، در مباحث آتی بیشتر بحث خواهیم کرد.

### ۱-۱- مسؤولیت کیفری در متون جزایی و رابطه آن با اهلیت جنایی

در تعریف مسؤولیت کیفری اتفاق نظر وجود ندارد؛ با این حال، می‌توان تعریف‌های گوناگونی را که حقوقدان ارائه داده‌اند به یکی از دو قالب زیر ارجاع داد.

۱- مسؤولیت کیفری عبارتست از «قابلیت» یا «اهلیت» شخص برای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود (اهلیت جنایی در این تعریف می‌گنجد)؛ این مرحله را مسؤولیت بالقوه یا انتزاعی می‌گویند که توضیحات بیشتر، در این زمینه را، در ادامه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۲- «التزام» یا «مجبور بودن» شخص نسبت به تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود، مسؤولیت کیفری نامیده می‌شود. این مرحله از مسؤولیت را مسؤولیت بالفعل می‌نامند. <sup>iii</sup>

بدین ترتیب، مسؤولیت کیفری را اگر بخواهیم از دو زاویه متفاوت بررسی کنیم؛ مسؤولیت واجد دو مفهوم خواهد بود، این دو مفهوم یا ناظر بر مسؤولیت بالقوه است یا بالفعل، مفهوم اول، مجرد (انتزاعی) است، و به آن اهلیت تحمل تبعات جزایی گویند؛ و اما مفهوم دوم، واقعی (عینی) است که به آن «اجبار به تحمل تبعات جزایی» می‌نامند که دو چهره گوناگون از مسؤولیت کیفری را ترسیم می‌کند، در ادامه به تشریح این دو نوع مفهوم و رابطه آنها با هم، خواهیم پرداخت.

### ۱-۲- مسؤولیت واقعی و انتزاعی و رابطه آنها با یکدیگر

حقیقت اینست که «اهلیت تحمل تبعات جزایی» و اجبار به «تحمل تبعات جزایی» دو چهره گوناگون از مسؤولیت کیفری را نشان می‌دهند، زیرا اولی معرفی کننده جنبه مجرد و انتزاعی و دومی نشانگر جنبه واقعی و عینی مسؤولیت است. منظور از جنبه انتزاعی مسؤولیت؛ صلاحیت و قابلیت شخص برای تحمل تبعات رفتار مجرمانه است و مسؤولیت در این معنا ناظر بر «صفتی خاص در شخص یا حالتی ویژه» است، خواه در نتیجه‌ی آن، بعدها از سوی فرد، رفتاری واقع شود که برای او مسؤولیت زا باشد یا نباشد. به تعبیر دیگر، مراد از مفهوم انتزاعی مسؤولیت ناظر به «وضعیت» و «صفتی» خاص در شخص است که به موجب آن «اهلیت» و «قابلیت» این را پیدا می‌کند تا «هرزمان» رفتار مجرمانه‌ای از او صادر شود، تبعات جزایی آن را متحمل گردد؛ پس صحیح است که بگوییم فرد واجد «اهلیت» دارای مسؤولیت کیفری است، اما این نوع از مسؤولیت، مسؤولیت بالقوه می‌باشد به این معنی که، شخص به خاطر داشتن «وضعیت» و «صفتی» خاص، اگر فعل مجرمانه‌ای انجام دهد، به ناچار باید تبعات جزایی آن را هم متحمل شود. <sup>iv</sup>

ولی مراد از مفهوم دوم، اجبار به تحمل تبعات جزایی یا تحمیل تبعات رفتار ارتكابی بر شخص است. مسؤولیت در این مورد، مجرد صفت یا وضعیت قائم به شخص نیست، بلکه، موضوعی متمایز و ناظر بر تحمیل قهری تبعات رفتار مجرمانه است. به تعبیر دیگر، زمانی که شخص در برابر رفتار مجرمانه‌ای که انجام داده است، یکجانبه و به قهر، «مجبور به تحمل» تبعات جزایی آن می‌شود، مسؤولیت کیفری وجود «واقعی» پیدا کرده است. پس این تعبیر هم صحیح است که بگوییم شخص «مجرم» دارای مسؤولیت کیفری است، اما این بار از نوع «مسؤولیت بالفعل»؛ یعنی اینکه شخص به خاطر ارتكاب جرم، تبعات جزایی آن را بایستی به اجبار متحمل شود.

به طور خلاصه در مقام جمع بندی مطالب یاد شده می‌توان گفت جنبه‌ی انتزاعی و مجرد مسؤولیت، راجع به قابلیت و اهلیت تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه «از سوی شخص» است؛ این جنبه از مسؤولیت بالقوه که ناظر بر وضعیت و حالت ملازم با شخص است، در اصطلاح، اهلیت جنایی نامیده می‌شود که به زعم برخی حقوقدانان، فقط پیش شرط لازم و ضروری برای

مسئولیت کیفری است؛ زیرا انتساب رفتار به مرتکب آن بر وجه حقیقی و نیز مسئولیت وی در قبال نتایج ناشی از وقوع جرم، از اموری است که بر حالت مرتکب (فاعل) در زمان ارتکاب رفتار مترتب می‌شود.<sup>v</sup> حال، با توجه به اینکه مسئولیت کیفری در معنای کلی نیز مربوط به اجبار و التزام شخص به قبول تبعات جزایی رفتار مجرمانه‌ی خویش است؛ به این نتیجه می‌رسیم که، جلوه و جنبه بالقوه‌ی مسئولیت کیفری که همان اهلیت تحمل تبعات جزایی است، همواره در ضمن جنبه بالفعل آن (اجبار به تحمل تبعات جزایی)، موجود است، فلذا، زمانی می‌توانیم قائل به جنبه بالفعل مسئولیت کیفری باشیم که پیش‌تر جنبه بالقوه آن، موجود باشد. از این مطلب دانسته می‌شود که پیش شرط بحث مسئولیت کیفری، اهلیت جنایی است. با توجه به اهمیت این مطلب، ابتدا به تحلیل مفهوم اهلیت جنایی می‌پردازیم و پس از ذکر ارکان اهلیت جنایی، به تبیین و تشریح جایگاه رشد عقلی، بعنوان یکی از شاخصه‌های اهلیت جنایی در عرصه مسئولیت کیفری خواهیم پرداخت.

### ۱-۳- مفهوم اهلیت جنایی

این مطلب که وقوع جرم تنها از انسان امکان‌پذیر است، مورد پذیرش قاطبه حقوقدانان و نظام‌های حقوقی است و شاید امروزه نظریه یا نظام حقوقی نباشد که رفتار حیوان یا حرکت جماد را که به صدمه و آسیب منتهی می‌شود جرم شناخته و در نتیجه حیوان یا جماد را مجرم بپندارد. در عین حال، جمعی از حقوقدانان<sup>vi</sup> برغم اینکه می‌پذیرند تنها رفتار انسان است که عنوان جرم به خود می‌گیرد، ارتکاب جرم را تنها برای «برخی» انسان‌ها مقدور می‌دانند؛ اینان معتقدند که لازم است در انسان شرایطی خاص جمع باشد تا قابلیت و «اهلیت» ارتکاب جرم را پیدا کند و این نوع اهلیت را «اهلیت جنایی» نامیده‌اند. پس مطابق این نظر حدوث اهلیت جنایی در گروهی تحقق شرایطی ویژه در یک انسان است تا از نظر قانون بتوان او را «مجرم» یا «مرتکب» نامید؛ چنانچه با فقدان این شرایط در یک انسان اهلیت «ارتکاب جرم» یا «اهلیت جنایی» و بالتبع عنوان مجرم از او سلب می‌شود. از دیدگاه این عده، صغار و مجانین که از قدرت تمییز و تشخیص و احیاناً از قدرت اختیار بی‌بهره‌اند، فاقد اهلیت جنایی بوده، لذا هیچ یک از رفتارهای زیانبار آنها هر چند مصداق عناوین مجرمانه همچون قتل یا سرقت باشد، جرم محسوب نمی‌شود.<sup>vii</sup>

اساساً هرکسی که با علم و اطلاع دست به ارتکاب جرم می‌زند لزوماً مسؤول شناخته نمی‌شود، بلکه علاوه بر تحقق اراده ارتکاب و سوءنیت یا تقصیر جزایی، باید دارای اهلیت و خصوصیات فردی متعارفی باشد تا بتوان وقوع جرم را به او نسبت داد. در نتیجه، وقتی انسان از نظر کیفری مسؤول شناخته می‌شود که مسبب حادثه‌ای باشد؛ یعنی بتوان آن حادثه را به او نسبت داد. پس مسئولیت کیفری، محصول نسبت دادن و قابلیت انتساب است. مقصود از قابلیت انتساب آن است که بر مقامات قضایی معلوم شود که فاعل جرم، از نظر رشد جسمی، عقلی و نیروی اراده و اختیار، دارای آن چنان اهلیتی است که می‌توان رابطه علیت بین جرم انجام یافته و عامل آن برقرار کرد. به عبارت روشن‌تر، در صورتی که جرمی واقع شود، آنگاه می‌توان فاعل آن را مسؤول دانست که پیشتر، اهلیت جنایی در او احراز شده باشد؛ به گونه‌ای که شخص در نتیجه‌ی بهره‌مندی از قوه‌ی تمییز و تشخیص و نیز اراده آزاد، مرتکب رفتاری شده باشد و بتواند ماهیت رفتار واقع هر آثار ناشی از آن را درک کند. بر این اساس، اهلیت جنایی را مجموعه صفاتی گویند که به منظور انتساب جرم به انسان، به عنوان مرتکب آن و مسؤول دانستن او، قبل از تحمیل و تحمل کیفر؛ باید احراز شود؛ لذا، مخاطب حکم کیفری و معاقب آن در صورت ارتکاب جرم، انسان زنده‌ی بالغ و عاقلی است که در عین حال واجد قوه‌ی تشخیص و تمییز و نیز اراده باشد.<sup>viii</sup> با توجه به اینکه، امروزه در ادبیات و گفتمان

حقوق کیفری اغلب کشورها، بحث راجع به اهلیت جنایی- به رغم ارتباط نزدیک با مسؤولیت کیفری- مستقلاً مورد تشریح قرار گرفته می‌شود، اما در کشور ما متأسفانه لزوم توجه به اهلیت جنایی، چندان مورد توجه کارگزاران نظام عدالت کیفری قرار نگرفته است، در هر حال، اهمیت تحلیل مفهوم اهلیت جنایی و تشریح مبانی و ارکان آن؛ لزوم توجه بیشتر به مقوله اهلیت جنایی، با توجه به جایگاه مهم آن در عرصه مسؤولیت کیفری را می‌طلبد.

## ۲- ارکان اهلیت جنایی

همانگونه که ذکر شد، پیش فرض اینکه موجودی در قلمرو مسؤولیت کیفری مطالعه شود انسان بودن اوست که این قاعده به مثابه قانونی نانوشته مورد اتفاق همه نظام‌های حقوقی معاصر است. پس از ورود به قلمرو حقوق جنائی، داشتن ادراک و اراده آزاد به عنوان ارکان تشکیل دهنده اهلیت جنایی بحث را ویژه افرادی می‌کند که از توانمندی‌های ذهنی لازم برای داشتن ادراک و اراده آزاد برخوردار باشند؛ بنابراین اهلیت جنایی بر دو رکن اساسی، یعنی ادراک و اختیار (اراده آزاد) استوار است، و این دو در تشکیل ساختمان اهلیت جنایی دخالت دارند. در ادامه به رکن ادراک بعنوان یکی از مؤلفه‌های رشد عقلی می‌پردازیم.

### ۲-۱- مفهوم ادراک و رابطه آن با رشد عقلانی

در حقوق جزا مفهوم ادراک یا تمییز چندان از معنای لغوی آن دور نیست. ادراک «مصدر باب افعال و در فارسی به معنای دریافتن است. در مباحث المشرقیه آمده که ادراک از مباحث مهم حکمت بوده و در لغت به معنی لقاء و وصول است و معنی مذکور از مباحث مهم حکمت است؛ زیرا در ادراک، مُدرک به ماهیت مُدرک می‌رسد، آن هم به واسطه انطباق صورت مُدرک در مُدرک»<sup>۱</sup> ادراک در حقوق جزا به معنای قدرت و توانایی بر درک و تمییز ماهیت افعال و آثار و تبعات اخلاقی یا اجتماعی که بر آنها بار می‌شود، بکار رفته است. این توانایی، مستقیماً به «وضعیت» ذهنی و عقلی شخص بر می‌گردد، فارق از اینکه به یک رفتار مجرمانه مبادرت کرده باشد.

چنانچه بدیهی می‌نماید، منبع این ادراک و تشخیص نیروی یا قوه ای به نام عقل می‌باشد. آدمی به مدد عقل می‌تواند مورد خطاب و امر و نهی قانونگذار قرار گیرد و در پرتو همین نیروست که در برابر نقض قوانین، قابل عتاب و عقاب خواهد بود. اما این منبع فهم و ادراک در هر شخص از یک جهت با ویژگی رشد و تکامل تدریجی همراه است و از جهت دیگر همواره با خطر و آسیب و اختلال در فعالیت‌های عادی خود روبروست. عقل آدمی، همچون قوای جسمانی او، به تدریج و آرام آرام به رشد و کمال می‌رسد؛ بهمین علت وضعیت حقوقی انسان هم به تناسب مراحل گوناگون این رشد و تکامل متفاوت خواهد بود. از سوی دیگر بنابر خصیصه‌ی آسیب پذیری که دست به گریبان عقل است گاه بیماری‌های روانی، فعالیت طبیعی قوه ادراک و تمییز انسان را به اختلال می‌کشاند که باعث می‌شود فرد از درک و فهم روابط میان اشیاء و حسن قبح امور، به طور کامل و نسبی، باز می‌ماند. این عوارض هم به نوبه خود در وضعیت حقوقی شخص تاثیر گذاشته و او را کلاً یا جزاً از قابلیت خطاب و عقاب ساقط می‌کند.

ملاحظه می‌کنیم که در حقوق جزا «ادراک» از یکسو به عامل «عقل» و از سوی دیگر به عامل «رشد» ارتباط پیدا می‌کند.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، منظور از ادراک درجه‌ای از رشد عقلانی است که فرد را در برابر اعمال جنائی‌اش مسؤول می‌سازد. به عبارتی دیگر، ادراک مرحله‌ای از سیر رشد عقلانی فرد است که دارا بودن آن موجب می‌شود مؤاخذه کیفری فرد در برابر رفتار

جنائی‌اش از منظر عقل ناپسند (قبیح) جلوه نکند و خردمندان (عقلا) مجازات کننده را نکوهش (تقبیح) نکنند. بدین ترتیب ادراک به عنوان تنها عامل اهلیت، جوهره مسؤولیت کیفری خواهد بود. از طرف دیگر، «رشد جزایی» به ویژگی تکامل پذیری عقل مربوط می‌شود و منظور، آن کیفیت نفسانی و ملکه‌ی است که واجد آن، توانایی تشخیص حسن و قبح افعال را دارد، به عبارت دیگر، واژه رشد جزایی در حقوق کیفری به مقطعی از فرآیند تکامل جسمی و عقلی انسان اطلاق می‌شود که از آن مقطع به بعد شخص در برابر جرایم ارتكابی دارای مسؤولیت کیفری و برخوردار از اهلیت جنایی است؛ اما چون سرعت رشد و نضج قوای جسمی و عقلی در افراد مختلف یکسان نیست، فلذا قانونگذاران اکثر کشورها با توجه به درجه رشد و ادراک شخص، قائل به مسؤولیت تدریجی بوده‌اند.

## ۲-۲- تکامل رشد عقلانی و شکل‌گیری تدریجی مسؤولیت کیفری بر اساس مؤلفه ادراک

همانگونه که اشاره شد منظور از ادراک، درجه‌ای از رشد عقلانی است که فرد را در برابر اعمال جنایی اش مسؤول می‌سازد. وبا توجه به تعاریفی که تاکنون در خصوص اهلیت جنایی ذکر شد، می‌توان چنین اظهار نظر نمود که اهلیت جنایی به مرحله‌ای از رشد عقلانی اطلاق می‌شود که به واسطه آن فرد به ادراک و تمییز دست می‌یابد و توانا می‌شود که ارزش اجتماعی (حسن و قبح) رفتار را بفهمد و این بدان معناست که میزان ضرر یا خطری را که رفتار به حقوق دیگران وارد می‌کند و در پی آن میزان موافقت یا مخالفت این رفتار با ضرورت‌های زندگی اجتماعی را بشناسد. اهلیت جنایی یا مفهوم انتزاعی مسؤولیت، امری است که شدت و ضعف برمی‌دارد و دارای مراتب است؛ این درجه بندی و شدت و ضعف، تنها به وضعیت شخص متهم و اوصاف مؤثر بر اهلیت جنایی او برمی‌گردد و از آنجا که ارکان اهلیت (ادراک و اختیار) نقص و کمال می‌پذیرند، پس به تبع آنها، مسؤولیت هم از درجات و مراتب برخوردار می‌باشد. بدین ترتیب درجه بندی و شدت و ضعف مسؤولیت بالفعل و واقعی بر اساس نقص و کمال قوه‌ی ادراک و تمییز شکل می‌گیرد. و از آنجایی که رشد عقلی، همچون قوای جسمانی، به تدریج و آرام آرام در بستر تکامل رو به رشد و کمال می‌رود؛ به همین جهت، وضعیت حقوقی و شکل‌گیری تدریجی مسؤولیت فرد، هم به تناسب مراحل گوناگون این رشد و تکامل متفاوت و گوناگون خواهد بود. در ایران، در قوانین کیفری پیش از انقلاب، توجه مراتب و درجات مسؤولیت کیفری از سوی قانونگذار به شکل روشنی پذیرفته بود؛ حال آنکه بعدها این موضوع، به شکل مصرح یاد شده مورد توجه قانونگذار قرار نگرفت. با توجه به اهمیت این بحث، در این قسمت به انواع مسؤولیت بر پایه تکامل تدریجی عقل انسان با تاکید بر رکن ادراک بعنوان یکی از ارکان اهلیت جنایی می‌پردازیم.

### ۱-۲-۲- حالت عدم مسؤولیت

فرد در چنین حالتی به واسطه عدم تمییز و ادراک که خود می‌تواند ناشی از صغر سن یا جنون و یا اختلال مشاعر باشد از درک حسن قبح افعال خویش عاجز می‌ماند و هر چند اغلب دارای اهلیت ارتكاب جرم است و مجرم شناخته می‌شود. اما وضعیت ادراکی او مانع از آن است که بتوان در برابر رفتار و واکنشی کیفری در نظر گرفت. از همین رو چنین افرادی خصوصاً اگر به واسطه صغر سن در حالت عدم مسؤولیت باشند تحت برنامه‌های آموزشی قرار می‌گیرند. با نزدیک شدن به مرحله تمییز و اهلیت کیفری چنین افرادی را می‌توان با نوعی واکنش‌های اجتماعی و تربیتی رو به رو ساخت تا با گذر از این تجربه آماده ورود به مرحله مسؤولیت کیفری شوند.

حالت عدم مسؤولیت فرد در قوانین کیفری عموماً ذیل عناوینی چون صغر، جنون و عُتّه به عنوان علل رافع مسؤولیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در میان این علل صغر مفهومی سنی دارد اما جنون و عُتّه ناظر به اختلالات دماغی‌اند و از مرحله سنی خاصی حکایت نمی‌کنند. از این رو طفل هرچند به واسطه کم سالی، ممکن است ادراکی ضعیف و ناتمام داشته باشد اما به صرف اینکه از سلامت برخوردار است عاقل دانسته می‌شود. لذا برخی از فقها (از جمله محقق حلی در کتاب شرایع) کمال العقل (تمیز) را از شرایط تحمل کیفر بر شمرده‌اند. از سویی وضعیت خاص مجرم که تحت عنوان اهلیت تحمل مسؤولیت کیفری از آن یاد می‌شود، مربوط به حالت عقلی سالم مرتکب و نیز اراده‌ی آزاد اوست، لذا، برای اجرای مجازات که غایت معینی - در قالب اقدامات تنبیه‌گرانه یا بازآموزانه و بازپرورانه-منظور نظر است، چنانچه فردی از درک آن غایت ناتوان باشد، اثری مترتب نخواهد شد. پس منظور قانونگذار از مجرمین «غیر مسوول» آن دسته از مرتکبان جرم هستند که به علت جنون یا اختلال مشاعر، فاقد «اهلیت تحمل کیفر» اند و در نتیجه در برابر جرمی که انجام داده‌اند، نمی‌توان آنها را مجازات کرد.<sup>xi</sup>

### ۲-۲-۲- حالت مسؤولیت نسبی

با ورود به مرحله بلوغ فرد واجد قابلیت تحمل مجازات می‌شود، یعنی از چنان توانمندی ذهنی برخوردار است که می‌تواند حسن و قبح اعمالش را تشخیص دهد و بدین ترتیب قابلیت تحسین و تقبیح خواهد داشت، از همین رو می‌توان واکنشهای رسمی با ماهیت سزادهنده را در قبال رفتار مجرمانه اش سازماندهی کرد. چرا که کیفر برای مقابله با جهت‌گیری‌های مخالف با اوامر و نواهی قانونگذار پیش بینی می‌شود. اما صرف قدم گذاشتن به چنین مرحله ای فرد را در زمره بزرگسالان قرار نمی‌دهد و تا آن مرحله بایستی چندین سال سپری شود. نظام حقوقی اکثر کشورها نیز برای اینکه کسی وارد مرحله بزرگسالی شود، شرط بلوغ و رشد را قرار می‌دهد.

در این راستا در قرآن کریم آمده است: « و ابتلو الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح، فان آنستم منهم رشداً فادفعوا الیهم اموالهم » (نساء/ آیه ۶)؛

با استناد به آیه ۶ سوره نساء، نمی‌توان کسی را که به بلوغ رسیده، رشید هم دانست و پیداست که ملازمه ای بین رشد و بلوغ وجود ندارند و بلوغ پیش از رشد به وجود می‌آید و صرف ورود به مرحله بلوغ، فرد در هر سن و سالی باشد هرگونه مجازاتی درباره اش قابل اعمال نیست. زیرا بلوغ به معنی رسیدن به مرحله ای از رشد جسمانی است که در این مرحله به دلیل نمودارهای جسمی و بیداری حس شهوت جنسی توانایی تولید مثل در انسان پدیدار می‌شود، ولی رشد مربوط به تکامل قوای دماغی می‌باشد و یک حالت و ملکه نفسانی است که دارنده آن توانایی تشخیص نفع و ضرر و حسن و قبح افعال خود را دارد. با توجه به آنچه آمده دانسته می‌شود که فرد با ورود به مرحله بلوغ نوعی مسؤولیت نسبی در مقابل اعمالش خواهد داشت اما همچنان اعمال کیفری نسبت به او نمی‌تواند کامل باشد. از همین رو به صرف بلوغ نمی‌توان شخص را مجازات کرد، بلکه این را می‌توان تخفیفی دانست که قانونگذار در مورد طفل بایستی طراحی و اعمال کند.

### ۳-۲-۲- حالت مسؤولیت تام

مسؤولیت کیفری تام آن گونه که تبیین خواهد شد، اساساً ناظر بر بررسی تحمل کیفر است و بدین ترتیب اهلیت تحمل کیفر عمدتاً به مرحله ای از رشد عقلانی اطلاق می‌شود که به واسطه آن فرد به ادراک و تمییز دست می‌یابد و توانا می‌شود که ارزش اجتماعی (حسن و قبح) رفتار را بفهمد.

و این بدان معناست که میزان ضرر یا خطری را که رفتارش به حقوق دیگران وارد می‌کند و در پی آن میزان موافقت یا مخالفت این رفتار با ضرورت‌های زندگی اجتماعی را بشناسد.

این درجه از ادراک و رشد، فرد را وارد مرحله بزرگسالی می‌کند و باید در برابر جامعه به طور کامل پاسخ‌گوی رفتارهای خود باشد.<sup>xi</sup> امروزه، رویکرد قانونی بسیاری از کشورها در قبال مسؤولیت کیفری، با تأکید بر رشد کامل عقلی شکل پذیرفته است؛ این مطلب بدان معنی است که قانونگذار فقط در حالتی که شخص دارای رشد کافی عقلی و قوه تمییز و تشخیص باشد، حکم به مجازات خواهد کرد.

با این وجود، در خصوص افراد فاقد رشد عقلانی قانونگذار اکثر کشورها در جهت صیانت از امنیت اجتماعی، تدابیری را در چهارچوب قانون اتخاذ کرده است. اما در ایران و پس از انقلاب، سن مسؤولیت کیفری را همان، سن بلوغ شرعی دانسته که در مورد دختر نه سال قمری و در مورد پسر پانزده سال قمری است، که قبل از رسیدن به این سن، اگر کودکی مرتکب جرمی شود، هیچ‌گونه مسؤولیتی ندارد و مجازاتی برای آن در نظر گرفته نمی‌شود ولی بعد از رسیدن به سن بلوغ، اگر کسی مرتکب جرمی شود بدون در نظر گرفتن بلوغ فکری، با وی مانند مجرمی بزرگسال رفتار می‌شود. در واقع قانونگذار ایران مسؤولیت کیفری را یکی از آثار بلوغ شرعی دانسته است. همان‌گونه که پیدایش تکلیف برای انجام اوامر و نواهی شرعی هم از آثار همین بلوغ است اما به نظر می‌رسد مسؤولیت کیفری با اموری همچون انجام نماز و روزه و حج تفاوت دارد و نباید ملاک این دو مسؤولیت را بلوغ شرعی دانست.

بر این اساس، نظام حقوقی ایران بلوغ جنسی مبنای مسؤولیت کیفری اطفال قرار داده است. لیکن به نظر می‌رسد که تحقق بلوغ جنسی، به تنهایی نمی‌تواند شرط کافی برای وجود مسؤولیت کیفری (گرچه شرایط لازم است) باشد؛ زیرا افرادی که بالغ هستند، اگر به رشد کیفری نرسیده باشند و قادر بر تشخیص حسن و قبح اعمال خویش نباشند، شایسته مؤاخذه و مجازات نخواهد بود. پس با توجه به این که وجود ادراک (رشد فکری) یکی از عناصر اساسی تحقق مسؤولیت کیفری است، پس سن مسؤولیت کیفری، زمانی است که فرد از نظر جسمانی به حد بلوغ جنسی و از لحاظ عقلی و فکری، به رشد کیفری (تمییز حسن و قبح) رسیده باشد.<sup>xiii</sup> بنابراین، می‌توان گفت؛ برای تحقق مسؤولیت کیفری تام، علاوه بر بلوغ، ادراک کامل (رشد کیفری) نیز لازم و ضروری می‌باشد. از این رو، افرادی که فاقد ادراک و رشد عقلی هستند، مسؤولیت کیفری ندارند. پس همان‌طور که تحقق بلوغ جنسی (احتلام، حیض)، شرط لازم برای توجه تکلیف و مکلف شدن است، رشد کیفری و وجود ادراک (قدرت تمییز) نیز برای مسؤولیت کیفری، شرط می‌باشد. بنابراین، برای مسؤولیت کیفری، دو شرط لازم است: «بلوغ» و «رشد کیفری» و هیچ‌کدام از این دو شرط، به تنهایی برای مسؤولیت کیفری، کافی نیست.

با توجه به تدریجی بودن رشد کیفری مقتضی است طیف وسیعی از واکنش‌های اجتماعی متناسب با هر مرحله شناسایی و وضع گردد و اینجاست که برای رهایی از این مشکل دیگر می‌توان متوسل به نظام مرحله‌ای شد. در واقع پذیرش مسؤولیت کیفری تدریجی به جای مسؤولیت کیفری جهشی (مبنایی که قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۹۲ پذیرفته است)؛ موجب می‌شود در فرآیند انتقال فرد از عدم مسؤولیت کیفری (کودکی) به مسؤولیت جزایی تام (بزرگسالی) مراحل نوجوانی و جوانی در عرصه مسؤولیت کیفری به رسمیت شناخته شود و سیاست کیفری افتراقی معقولی در قبال تخلفات و جرایم کودکان آغاز شود. و برای شمول قوانین جزایی نسبت به نوجوانان کم سن و سال لازم است شرایط عامه‌ی تکلیف از جمله حد نصاب رشد عقلی مراعات شود تا در صورت شبهه در رشد عقلی مشمول قاعده درء گردد. هم‌چنین بسیاری از حدود از طریق اقرار ثابت می‌شود. دست قاضی در این‌گونه موارد باز است و می‌تواند با تمهید مقدماتی از گرفتن اقرار در حدود پرهیز نماید.



در خصوص قصاص نیز قاضی می‌تواند با نقش میانجی‌گری به نحوی رضایت مجنی علیه را جلب نموده و آن را تبدیل به دیه کند و در تعزیرات از موارد جایگزین استفاده نماید. در آغاز چنین سیاستی تا حد امکان از تمسک به واکنش‌های کیفری سرکوبگر امتناع شده و تدابیر به طور عمده به هدف جامعه‌پذیری مجدد مرتکب معطوف می‌شود. در مجموع، توجه به مبادی و مبانی مسؤولیت کیفری اطفال - در پرتو یافته‌های نوین علمی - ضرورتی است که از سوی قانونگذار باید مد نظر قرار گیرد. عمده چالش‌های نظری و قانونی در خصوص مسؤولیت کیفری صغار، ضرورت تعدیل و تغییر حد نصاب سن مسؤولیت کیفری را ایجاب می‌کند. این مهم در پرتو فقه پویا با لحاظ واقعیت‌های عینی و علمی، قابل حصول است.

### ۳. جایگاه رشد عقلانی در قانون جدید مصوب سال ۱۳۹۲ و مقایسه آن با قانون سابق

نظام اسلامی ایران در قوانین جزایی قبلی (قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰) با تأثیر از دیدگاه اکثریت فقها، سن بلوغ شرعی را آغاز پذیرش مسؤولیت کیفری دانسته و از پیش بینی رشد عقلی با عنوان شرط تحقق مسؤولیت خ و دداری کرده بود. بدین ترتیب افرادی که فاقد رشد کافی در درک امور بودند، ولی طفل محسوب نمی‌شدند، از لحاظ شرط خطاب با اشخاصی که از عقل و رشد کافی برخوردار بودند، یکسان تلقی می‌شدند. مراجع قضایی در نبود مقررات کافی مبنی بر لزوم احراز رشد و کمال عقل از یک سو و پذیرش نظر اکثریت فقها مبنی بر عدم لزوم رشد و کمال عقلی از سوی دیگر، حکم به قصاص نفس در مورد افراد بالغ غیر رشید صادر می‌کردند. این رویه نه با مبانی عرفی رشد مطابقت داشت و نه با مبانی شرعی و منابع اسلامی سازگار بود. نظام حقوق اسلامی در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با پذیرش نظر تعداد دیگری از فقها که بلوغ و رشد کیفری را همزمان برای پذیرش مسؤولیت کیفری شرط می‌دانند، لزوم احراز رشد و کمال عقلی را به صورت استثنایی در تحقق اهلیت کیفری پیش بینی کرده است. این ماده اصل را بر مسؤولیت افراد بالغ نهاده و با ایجاد تکلیف موردی برای مراجع قضایی مبنی بر لزوم احراز رشد و کمال عقلی در جرایم شرعی، امکان تبدیل مجازات‌های شرعی به مجازات‌های تعزیری را پیش بینی کرده است.

معافیت بالغین از مجازات‌های شرعی، هرچند برای اجرای سیاست قضایی صحیح و همسو با جوهر فقه اسلامی و ماهیت تعالیم اسلامی مناسب است، اما تصویری مخدوش از شرط لزوم رشد عقلی در تحقق اهلیت افراد زیر ۱۸ سال ارائه کرده است و در برخی موارد با نفی اثبات اعتبار رشد و قوه تمییز که عنصری تعیین کننده در تعیین مبدأ استحقاق مسؤولیت کیفری است، موجب بروز ابهامات و تعارضات متعددی شده است. از جمله این موارد ابهام برانگیز عبارتند از:

#### ۳-۱- پیش بینی شرط رشد عقلی در برخی رفتارهای ممنوعه

قانونگذار در ماده ۹۱ قانون مذکور ضرورت احراز رشد عقلی را فقط در جرایم شرعی (جرایم موجب حد یا قصاص) لازم دانسته است و درباره تعزیرات به این معیار توجه نکرده است. منطق تفکیک میان جرایم تعزیری (رشد جزایی شرط نیست) و جرایم شرعی (رشد جزایی شرط است) مشخص نیست. در واقع مصالحی که باعث سقوط مجازات شرعی می‌شود این قوت و اعتبار را دارند که سبب سقوط مجازات تعزیری که در برخی موارد مجازات‌هایی شدیدتر از مجازات شرعی دارند، نیز شوند. بر این اساس، درک و فهم ماهیت جرم و یا وجود شبهه در کمال عقلی به جرایم خاصی بستگی ندارد. از این رو، بهتر بود همان طور که قانونگذار مطابق ماده مذکور در جرایم شرعی فرض را بر این گذاشته است که نوجوان زیر ۱۸ سال هنوز به درجه ای از رشد

عقلانی نرسیده است که بتواند مسئولیت اجتماعی عواقب رفتار خود را بپذیرد و مستحق عقوبت شدیدتری باشد، این فرض قانونی را در همه جرایم اشاعه می داد.

نکته دیگر اینکه در صورت شبهه در کمال عقل فرد زیر ۱۸ سال، این افراد فقط از مجازات های شرعی معاف هستند و عقوبت های تعزیری در مورد این افراد اعمال می شود. اشکال اساسی بر این بخش ماده، این است که اگر رشد کیفری لازم برای مجازات شرعی وجود ندارد، باید از هر نوع مجازاتی حتی تعزیری معاف شود، در حالی که ذیل ماده مذکور، اعمال تدابیر حکومتی را جایز دانسته است.

### ۳-۲- دوگانگی میان سن قانونی و سن قضایی بلوغ کیفری

بر اساس نظام حقوقی اسلامی ایران در صورتی که افراد بالغ شرعی، مرتکب جرایم شرعی شوند، در مورد آن مسئولیت کامل دارند و باید به عقوبت شرعی برسند، اما در صورت احراز یکی از موارد سه گانه ماده ۹۱ به عقوبت های حکومتی و تعزیری محکوم می شوند. بنابراین، این ماده به قاضی آزادی کامل می دهد تا با استناد به شرایط سه گانه (از جمله تردید در رشد عقلی و کمال عقل) مجازات شرعی را از مرتکب دارای سن کمتر از ۱۸ سال رفع کند. در این صورت می توان گفت که بین سن قانونی و سن قضایی بلوغ کیفری، تفکیک و تعارض به وجود می آید؛ زیرا از نظر قانونگذار، سن بلوغ کیفری در حدود و قصاص، همان سن بلوغ جنسی مورد تأیید فقهاست، اما از نظر قضایی، سن بلوغ کیفری در این جرایم شرعی، همانند جرایم تعزیری ۱۸ سال تمام است. نظام قانونگذاری برای رسیدن به اهداف خود یعنی، عدم اجرای عقوبت شدید برای اطفال و نوجوانان باید از سازوکارهای سنجیده تری استفاده کند تا دچار نگرش موردی نشود. اگر بنا به مصالح عقلانی این نتیجه حاصل شده است که افراد زیر ۱۸ سال به تدابیر شدید و سنگین از جمله اعدام محکوم نشوند، این مصالح باید به طور صریح به رسمیت شناخته شده و سن بلوغ در جرایم شرعی همچون جرایم تعزیری به طور قانونی نه رویه ای افزایش یابد.

### ۳-۳- امکان اتخاذ رویکرد تنبیهی در صورت احراز رشد

نکته مهم دیگر این است که ممکن است گفته شود از مفهوم مخالف ماده ۹۱ چنین استنباط می شود که هرگاه قاضی نسبت به کودکان زیر ۱۸ سال و بالای پانزده سال، بتواند رشد آنان را احراز کند، مجازات شرعی جاری می شود و در نتیجه اعدام کودکان زیر ۱۸ سال با فرض احراز رشد عقلی امکان پذیر خواهد بود. این در حالی است که بر اساس بند (الف) ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک (مصوب ۱۹۸۹)، مجازات های اعدام و سلب حیات و حبس ابد غیر قابل عفو درباره اشخاص زیر ۱۸ سال ممنوع است. بند ۵ ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶) نیز اجرای حکم اعدام برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال تمام را ممنوع دانسته است. لازم به ذکر است که ایران به هر دو سند یادش ده پیوسته است و به این دلیل که بر اساس ماده ۹ قانون مدنی، اسناد بین المللی در حکم قانون است، رعایت مفاد آن لازم الرعایه می باشد. توسعه اختیارات مقام قضایی برای اسقاط مجازات های شرعی در مورد افراد زیر ۱۸ سال، هرچند در راه رسیدن به نظامی مطلوب برای اطفال و نوجوانان گامی مثبت است، اما از این نظر که همواره امکان اجرای عقوبت های شرعی منتفی نشده است، ایراد مجامع بین المللی و حقوق بشری در مورد عدم اجرای مفاد اسناد بین المللی ویژه کودکان همواره جاری است<sup>xi</sup>.

بنابراین رویکرد جدید قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲)، هر چند در مواردی قابل خدشه است، نسبت به قانون پیش از آن، با رویکرد کلی کشورهای اسلامی و جامعه جهانی همسوتر و به عدالت نزدیکتر است.

## نتیجه

از مجموع مطالب ذکر شده در این مقاله می‌توان به این نتیجه رسید که: پیش شرط مسؤولیت کیفری افراد، اهلیت جنایی می‌باشد، اهلیت جنایی به آن ویژگی‌ها و خصیصه‌هایی در فرد گفته می‌شود که وجود آنها باعث می‌شود که شخص قابلیت تحمیل و تحمل مجازات را داشته باشد. یکی از ارکان اهلیت جنایی، عنصر ادراک می‌باشد؛ منظور از ادراک درجه‌ای از رشد عقلانی است که فرد را در برابر اعمال جنایی اش مسؤول می‌سازد. به عبارت دیگر، ادراک مرحله‌ای از مسیر رشد عقلانی است که دارا بودن آن موجب می‌شود مؤاخذه کیفری فرد را در برابر رفتار جنایی از منظر عقل ناپسند (قبیح) جلوه نکند و خردمندان مجازات کننده را نکوهش نکنند؛ براین اساس اهلیت جنایی در زمره شرایط مسؤولیت کیفری قرار می‌گیرد.

اساساً یکی از چالش‌های اساسی نظام عدالت کیفری ایران عدم شناسایی و تصدیق واقعی اهلیت جنایی بویژه بر پایه احراز رشد عقلی می‌باشد. این در حالی است که اغلب نظام‌های حقوقی جهان، بیش از پیش به جایگاه رشد عقلی بعنوان مؤلفه‌ای از ادراک توجه می‌شود و در این نظام‌ها تغییرات حادث در مسؤولیت کیفری و مراتب آن، نشان از اهمیت مراتب ادراک و توجه قانونگذاران به این امر می‌باشد. اما در ایران در خصوص این موضوع اهمیتی جدی صورت گرفته نشده است. در نتیجه عدم شناسایی واقعی نقش رشد عقلی و تأثیر آن بر مسؤولیت کیفری اطفال در قوانین و مقررات ایران همواره بعنوان یکی از چالش‌های پیش رو نظام عدالت کیفری بوده است، ولذا، قانون کیفری ایران نیازمند بازنگری در دیدگاه خود راجع به کودکان بزهکار است. هر چند در قانون جدید نسبت به این مقوله توجه شده است ولی ایراداتی در زمینه تحمیل مسؤولیت کیفری همچنان وجود دارد. فلذا به نظر می‌رسد، راهکار علمی و عملی مؤثر گذر از این چالش، قبول مؤلفه رشد عقلی بعنوان یکی از ارکان مسؤولیت (به ویژه در جرایم تعزیری) باشد. به عبارت دیگر، رشد عقلی و توانایی ادراکی جوهره‌ی مسؤولیت کیفری و از ارکان اهلیت جنایی در نظر گرفته شود و در حوزه مسؤولیت کیفری اطفال بایستی بیشتر مورد اهتمام نظام عدالت کیفری قرار گیرد و در صورت ایراد خلل بر این مؤلفه (رشد عقلی) یا ضعف آن در مراحل اولیه رشد انسان، تحقق مسؤولیت کیفری اطفال (در تمامی جرایم) را با مانع مواجه سازد.

## منابع و مأخذ:

۱. عالی، سمیر، اصول قانون العقوبات، القسم العام، الطبعة الأولى، بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات، النشر والتوزيع، ۱۹۹۶ م، ص ۲۳۴، به نقل از موسوی مجاب، سید درید؛ پیشین، ص ۱۰۳
۲. حجتی، مهدی؛ *قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی*، چ ۱، تهران: انتشارات میثاق عدالت، ۱۳۸۴، ص ۲۸
۳. میر سعیدی، سید منصور؛ *مسئولیت کیفری*، چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳، ص ۲۱-۲۲
۴. همان؛ ص ۲۳
۵. لطف، سامی نصر، *الحرية المسؤولة في الفكر الفلسفي الاسلامي*، مصر: القاهرة، ب.م.، ۱۹۷۷ م، ص ۵۹؛ به نقل از: موسوی مجاب، سید درید؛ پیشین، ص ۱۱۲
۶. ر.ک: عوض، محمد، پیشین، ص ۴۱؛ به نقل از: میر سعیدی، سید منصور؛ پیشین، ص ۵۰
۷. میر سعیدی، سید منصور؛ پیشین، صص ۴۹-۵۰
۸. عالی، سمیر؛ پیشین، ص ۲۷۶؛ به نقل از: موسوی مجاب، سید درید؛ پیشین، ص ۱۰۸
۹. سجادی، سید جعفر؛ *فرهنگ اصطلاحات فلسفی و کلامی و منطقی*، چ ۱، تهران: انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۱، ذیل واژه ادراک؛ به نقل از موسوی مجاب، سید درید؛ پیشین، ص ۱۱۹
۱۰. میر سعیدی، سید منصور؛ پیشین، صص ۱۱۵-۱۱۳
۱۱. محمدی، قاسم؛ *رشد عقلانی و حقوق جنایی*، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۲۴، زمستان ۱۳۸۳، ص ۲۱۸<sup>xi</sup>
۱۲. ن.ک: محمدی، قاسم؛ پیشین، صص ۲۱۵-۲۲۶
۱۳. اصغری، عبدالرضا؛ *سن مسئولیت کیفری در حقوق اسلام*، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۲، زمستان ۱۳۸۰، ص ۸۹
۱۴. فرهودی نیا، حسن، کاوسی خسرقی، پریزاد؛ *رابطه مبانی ضرورت رشد عقلی و مسئولیت پذیری کودکان و نوجوانان در پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده*، سال پنجم، ش ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۲۶ الی ۱۲۷